

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فائق رستاقی

۲۶ مارچ ۲۰۲۲

دشمنی طالبان با آموزش دختران، مصدق و گواه فاشیسم و شوونیسم جنسیتی طالبان است!

(۱)

طالبان، این مولود خلف امپریالیسم و ارتجاع اسلامی در نتیجه شکست و افتضاح جهانی نیرو های اشغالگر امریکا - ناتو از افغانستان، بیش از هفت ماه قبل به تاریخ ۱۵ اگست ۲۰۲۱م، به جای دولت مزدور و مرتجع قبلی ساخته امپریالیست های اشغالگر امریکا - ناتو به ریاست مزدور پوشالی غنی؛ دسیسه کارانه و با هماهنگی، همسوئی و تدارک همه جانبه استعماری - ارتجاعي بر پایه توافقنامه دوحه، در نقش یک پروژه نواستعماری به ارگ مزدوران قبلی امریکا گسیل شدند. این برنامه به قدرت رسانیدن طالبان به جای اداره مستعمراتی قبلی توسط امپریالیست های هزیمت یافته امریکا - ناتو، همسوئی پنهانی، تلاش موازی و تأیید تلویحی دولت های امپریالیستی و ارتجاعي منطقه مثل چین، روسیه، پاکستان، ایران و برخی دول ارتجاعي عرب را (به امید پایان یافتن اشغال افغانستان در نزدیکی مرز های شان، نه بابت کسب استقلال کشور ما) با خود داشت.

زمینه سازی و چگونگی توطئه گرانه گسیل به ظاهر قدرتمندانه مزدوران فاشیست طالبان به ارگ توسط اشغالگران قبلی و با شناخت تجربی مردم از دوره اول امارت اسلامی و فاشیسم و دره و شلاق جلادان طالبانی، سؤال های زیادی را توأم با بیم و هراس در مورد رویکرد های دور دوم امارت آنان، در اذهان مردم به ویژه روشنفکران خاصاً زنان کشور و بقایای دولت مزدور ساقط شده قبلی، خلق کرده بود. برخورد مرتجعان شوونیست اسلامی در قبایل زنان و دختران کشور و حق کار و تحصیل و حقوق حقه انسانی این نیمه نفوس کشور، از جمله کار زنان در بخش های خدماتی، اداری، فنی و تولیدی در بیرون از چهار دیواری خانه و فرستادن دختران و معلمان زن به مکاتب و استادان زن به دانشگاه ها، در پرده ابهام قرار داشت.

هر چند گروه طالبان طبق طینت و دستور اربابان متجاوز بیرونی اش، از همان بدو امر اعلام "امارت اسلامی" ناتکمیل و در حال تشکل، با رویکرد انحصارگری، تمامیتخواهی، فاشیسم، شوونیسم جنسیتی - قومی و با نگرش سنگک شده و پوپنک زده مذهبی در قبایل نیرو های فکری - سیاسی، قومی و جنسیتی هم اندیش یا دگر اندیش، نشان داد که در اوج استبداد و ستمگری بر مظلومان و مسلمانان؛ از تسامح، همگرایی، تکرر، چند آوایی، دموکراسی، آموزش، دانش، فرهنگ، حقوق بشر، حقوق زنان و غیره... به فرسنگ ها فاصله دارد.

چندین ماه قبل، امارت نوتشکیل طالبان و وزارت معارف معرفت ستیز آن، در تنگنای فلج کننده اقتصادی و اوج افلاس سیاسی و مالی، زیر فشار اعتراضات فزاینده داخلی و خارجی و سازمان های ملی و جهانی نظیر ملل متحد، یونسکو و غیره، به امید جلب و جذب شناسائی دیپلماتیک و منابع مالی مورد نیاز، قبل از آغاز ماه های زمستان ریاکارانه اعلام کردند که مکاتب دخترانه از شروع تا دوره ثانوی در آغاز سال تعلیمی جدید در دوم حمل ۱۴۰۱ شمسی گشایش خواهد یافت.

اما هفت ماه و چند روز پس از روی کار آورده شدن گروه طالبان توسط دشمنان ملی و تاریخی خلق تحت ستم افغانستان، سران "امارت اسلامی" این گروه ضمن دشمنی با فرهنگ دیرین سال نوروزی و استقبال از بهار و "مجوس" نامیدن این آئین نوروزی، دو روز پس از نوروز از زبان مسؤلین دانش ستیز وزارت معارف طالبان ضمن پشت پا زدن به این حکم صریح قرآنی مبنی بر (وَالْمُؤْمِنُونَ بَعْدَهُمْ إِذَا عَاهَدُوا* - یعنی "وفا کنید به عهدتان، وقتی که عهد بستید")، بر عهد سپرده شده چند ماه قبل خویش برای گشایش مکاتب دخترانه از صنف ششم به بالا، پا گذاشتند. این اوج ریاکاری و منافقت امیرالمؤمنین و سائر اولیای امور "امارت اسلامی" طالبان است که حتی به قرآنی که کلام خدایش می خوانند، تمسک، تعهد و باور ندارند.

طبق گزارش های خبری، وزارت معارف "امارت اسلامی" مزدوران فاشیست طالبان چهارشنبه ۳ حمل اعلام کرد که "درب مکاتب دخترانه همچنان بسته می ماند، زیرا لباس دختران مکاتب مطابق به شریعت نیست...." هر گاه مطابق شریعت، رسم و رواج و فرهنگ افغانی لباس مکتب طرح شود، آنگاه بر اساس حکم رهبری امارت اسلامی مکاتب متذکره باز خواهد شد.

این ادعای مسخره جهال و منافقان طالبان، هم از نظر "شریعت اسلامی" و هم "رسم و رواج و فرهنگ افغانی"، ادعای غیر دقیق، غیر واقعی، سخیف و مسخره ای بیش نیست، زیرا:

الف - شریعت اسلامی:

پوشش زنان جوامع اسلامی در مجموع و دختران مکاتب به طور خاص، یک اصل نسبی است. در دنیای امروز ممالک و جوامع زیادی با جامعه اسلامی و جمعیت اندک یا بزرگ مسلمان در اکناف جهان وجود دارند. در همه این ممالک و جوامع، مکاتب دخترانه دائر بوده و حجاب اسلامی متأثر از فتوای خبرگان و مسؤلان دینی و یا در پرتو سنت ها و ایجابات محیطی، از این مملکت تا آن مملکت، از نسبیت برخوردار بوده و اجماع نظری میان خبرگان دینی و اولیای امور کشور های "اسلامی" در مورد شکل و حد و اندازه آن وجود ندارد.

در افغانستان طالب زده امروزی نیز، اگر از فرهنگ شهری لیبرال در دوران سلطنت، جمهوری قلابی و رژیم به ظاهر "دموکراتیک" مزدوران و جلادان "خلق و پرچم" بگذریم، روستا های تحت سیطره مذهب و سنت های دست و پا گیر عقب مانده قبیله ئی (ویژگی جامعه و ساختار های اجتماعی - قومی پیشاصنعتی)، دختران مکاتب پوشیده با چادر و پیراهن و تنبان به مکتب رفته اند، کاری که تا همین اواخر دوام داشته است. این کود لباس دخترانه هماهنگ با سنت های روستائی و قبیله ئی و پوشش اسلامی بوده است. همین پوششی که مورد قبول طالبان متحجر نیست، عین پوشش اسلامی آمیخته با ویژگی های سنتی محیط پیشاصنعتی و پیشا لیبرال است.

ب - رسم و رواج و فرهنگ افغانی:

افغانستان از لحاظ اتنیک کشوری است چند قومی یا چند ملیتی. ملیت ها، اقوام و مذاهب افغانستان با ویژگی های فرهنگی - مذهبی و مدارج تکاملی ناهمگون در محدوده های جغرافیای طبیعی ارزش ها و سنت های فرهنگی ویژه و ناهمگون شان را به مثابه بخشی و بازتابی از واقعیت عینی شان، داشته اند. با این تنوع قومی - فرهنگی ناموزون، چیزی تعریف شده و مسلم به نام "رسم و رواج فرهنگ افغانی" وجود خارجی نداشته و اجماعی نظر نیز در پیرامون آن وجود نداشته است.

افزون بر این اشکال تجمع غیرطبقاتی ناهمگون، از منظر مالکیت بر وسائل تولید، جامعه افغانستان به طبقات و اقشار اجتماعی متضاد و ناهمگون ارتجاعی، محافظه کار و بالنده تقسیم شده است که بر روی همین پایه اقتصادی این کتله های بشری، سیاست و فرهنگ نیز بنا یافته و اجزای آن با هم در تعارض قرار داشته اند. کلیت این فرهنگ از ناهمگونی شدیدی رنج برده و در یک سوی آن فرهنگ پوسیده، منسوخ و دست و پا گیر ارتجاعی و در قطب دیگرش، فرهنگ بالنده که زمینه فراروی تاریخی - اجتماعی و رهائی نیرو های مولده را مساعد می سازد، قرار دارد.

لذا، ارجاع به عقب مانده ترین، ارتجاعی ترین و محافظه کار ترین سنت های سخیف و فرتوت از میان این مجموعه نامتجانس فرهنگی، به مثابه "رسم و رواج و فرهنگ افغانی"؛ مسخره، دور از واقعیت و از موضع سخت جانی پدیده های منسوخ و فرتوت ارتجاعی در ضدیت با فرهنگ بالنده و مورد نیاز تکامل جامعه و رهائی زنان و دختران ستمکش افغانستان از زندان خانه و حجاب اجباری و سیطره فرهنگ مردسالار، است.

قرآن منسوب به خدای محمد و طالبان، اصلی ترین منبع و مرجع ارشاد مسلمانان است. طالبان و سائر اولیای کشور ها و جوامع اسلامی از منظر تکلیف قرآنی، هیچ تکلیف شرعی و دینی در برابر کسب علم توسط زنان و مردان ندارند. زیرا در بیش از شش هزار آیت قرآنی، ارشاد "آسمانی" نی در زمینه تکلیف شرعی اولیای امور جوامع اسلامی برای کسب علم توسط مردان و به ویژه زنان وجود ندارد. یگانه تکلیفی که اسلام بر دوش والدین و خبرگان دینی جوامع اسلامی می گذارد، آشنائی کودکان و نوجوانان دختر و پسر با فرایض و بنا های شریعت اسلامی است که آنها در خانه یا مسجد توسط والدین یا ملا تدریس می شود.

کسب سواد، علم و دانش مثبت در طول تاریخ در جوامع اسلامی، بنا بر نیاز های اداری، خدماتی و فنی دولت ها و سازمان های مذهبی و همچنان نیاز های اقتصادی (کاریابی) جوانان پسر و دختر جویای اشتغال در کشور ها و جوامع تحت سیطره اسلام به شمول کشور خود ما - افغانستان، مطرح بوده و از همین منظر فراگرفته شده است. مخالفت طالبان با زنان در مجموع و مسائل شان و به طور خاص با گشایش مکاتب دخترانه، انگیزه ها و عوامل گونه گون دارد که چند مورد از عمده ترین آنها را به اختصار مرور می کنیم:

۱. رویکرد شوونیسم جنسیتی طالبان و "امارت اسلامی" در قبال زنان و مسائل آنان:

فاشیسم و شوونیسم ملیتی - جنسیتی گروه و "امارت اسلامی طالبان" ریشه در تمامیتخواهی مذهبی، اقتدارگرایی گروهی و برتری جوئی سیاسی، جنسیتی، قومی و انحصارگرایی طالبان دارد. شوونیسم طالبان هم در برخورد با غیرپشتون ها، غیرطالبان و دگراندیشان برجسته است و هم رویکرد این گروه برتری خواه و عظمت طلب را در قبال زنان کشور می سازد. با این طرز دید برتری جویانه، مرد سالار و زن ستیز، طالبان قرون وسطائی در عصر حاضر زنان را به مثابه نیمه ای از سازندگی و یا دقیق تر نیمه ای از بشریت نمی پذیرند. مزدوران مرتجع طالبان ضمن سلب و انکار حقوق برابر و کامل زنان از موضع شریعت اسلامی (نیمه مرد)، از نگاه ایجابات دولت داری و برآورده ساختن نیاز های مدیریت خدمات اداری، صحتی، اجتماعی، آموزشی، فرهنگی و فنی زندگی مدرن امروزی نیز این

نیمه ظرفیت خفته و به حاشیه رانده شده را انکار می کنند. در رویکرد فاشیستی، طالبان ضمن نفی دیگران به گونه تمامیتخواهانه و کوبیدن مهر "امارت اسلامی" پای هر امری، اصرار می ورزد. گروه طالبان با رویکرد شوونیسم جنسیتی، ضمن رد و انکار حقوق حقه زنان کشور به شمول حق کسب دانش، خود را یگانه نیروئی می داند و به خود اجازه می دهد که در نقش قیم زنان و بالاتر از آن در مورد سرنوشت زنان تصمیم گرفته و امر و نهی کند.

۲. ضعف مدیریت و نداشتن نصاب تعلیمی مدون:

طی هفت ماه از نظام مستبد، فاشیستی و خشن "امارت اسلامی" شلاق و تازیانه طالبان و رویکرد های ضد انسانی شان، طالبان نشان دادند که به مثابه یک گروه سیاسی با افکار متحجر و پوپنک زده در نقش نماینده دو پایگاه طبقاتی ارتجاعی و وابسته با امپریالیسم و ارتجاع منطقه؛ از نگاه ظرفیت تاریخی، عرضه مدیریت یک نظام سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در همه ابعاد و عرصه های زندگی اجتماعی را ندارند. از آن میان مدیریت امور مهم آموزش کودکان و نوجوانان و پرورش و تحصیلات عالی، با این کله های خالی ملا و چلی و نداشتن کادر علمی؛ طرح، تصویب و اجرائی ساختن نصاب درسی بالا تر از سطح مساجد برای اطفال و مدارس دینی برای طلاب دینی، برای "امارت اسلامی" طالبان میسر نیست و نخواهد بود. در حالی که اداره مزدوران مرتجع طالبان از فقر علمی - مدیریتی رنج می برد و به دلیل تنفر مردم از آن، در حالت تجرید و انزوا قرار دارد، با این رویکرد های ضد انسانی و تبعیض آمیز و فاشیستی تمامیتخواهانه طالبان در هر امر کوچک و بزرگ؛ مشکل می نماید که کادر علمی، تدریسی و فرهنگی موجود در کشور به همراه جوانان متعلم و محصل پسر و دختر بتوانند یا بخواهند با طالبان و سیاست های شوونیستی - فاشیستی شدیداً تفرقه افکنانه ضد ملی و ضد انسانی این گروه و امارتش کنار بیایند. این عدم بازگشائی مکاتب دخترانه از صنف ششم به بالا، نشانه ترس طالبان از نیروی رها شده جوانان دختر و پسر کشور، در عین حال نشانه ضعف و فقدان توانائی های مدیریتی طالبان است.

ادامه دارد

* - قرآن، بخشی از آیت ۱۷۷ سوره بقره.